

دربیچه

از بیعت با البناء تا سقوط مبارک

■ در ابتدا فعالیت‌های آنان جنبه نیمه‌مخفی داشت و برای گسترش جنبش از جزوه، نامه، سخنرانی و ملاقات‌های شخصی استفاده می‌کردند.آخوان‌المسلمین در سال ۱۹۲۸ با بیعت حسن البناء و شش نفر از همفکران‌شان تشکیل شد.

فعالیت‌های سیاسی – اجتماعی حسن البناء را می‌توان در سه مرحله تقسیم کرد: مرحله اول از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۹ که تمام سعی و تلاش او بر کارهای نظری، سخنرانی‌ها، انتشار مجلات و فراگیر شدن نهضت در کشورهای اسلامی بود؛ مرحله دوم از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ که به سازماندهی سیاسی جنبش پرداخت و مرحله سوم از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ که دوران اثرگذاری اخوان المسلمین در مسایل اساسی مصر بود که با ترور او در ۱۹۴۹ پایان یافت.

جنگ جهانی دوم و پیامدهای مصر، روند تصاعدی نفوذ اخوان المسلمین را در مصر گسترش داد، تشکیلات اخوان المسلمین سازمان‌یافته‌تر و مواضع سیاسی و ایدئولوژیک آنها منسجم‌تر شد. بعد از جنگ سازمان از وضع آشفته حزب وفد استفاده و خود را به عنوان سازمان انقلابی و مخالف نظام موجود معرفی کرد و پایگاه‌های توده‌ای حزب وفد را به سرعت تصرف کرد. بر اثر دسیسه‌ها و برخی اقدامات خودسرانه که بعضی از افراد در سازمان علیه دولت انجام می‌دادند، دولت در سیال ۱۹۴۸ با ۱۳ مورد اتهام به سازمان در مورد فعالیت‌های تروریستی، توطئه علیه سرنگونی نظام سلطنتی مصر، جمع‌آوری مهمات و… سازمان را متحل اعلام کرد و حسن البناء در توطئه‌ای سازمان‌یافته در فوریه ۱۹۴۹ ترور شد.

بعد از ترور بنیانگذار سازمان، دوران بحرانی و مشکلات برای سازمان هویدا و نهایتاً در سال ۱۹۵۱ حسن نسیمی رسماً به عنوان مرشد عام اخوان المسلمین منصوب شد.

برخی از اقدامات وی از قبیل تغییر و تحولات در سازمان، ارتباط وی با فاروق، محدود کردن شاخه مخفی اخوان المسلمین و مخالفت با خشونت موجب شد تارزضاتی در سازمان روی دهد.

هضیبی معتقد بود «دین اسلام، دین رحمت است نه ترور و خشونت» در این میان سازمان افسران آزاد تصمیم گرفت با سازمان اخوان المسلمین ارتباط برقرار کند و بین آنان پیمانی منعقد شد که اخوان المسلمین همه امکانات خود را در اختیار سازمان افسران آزاد قرار داد و همکاری را برای آن‌ها در سال ۱۹۵۱ به اوج خود رسید. ناصر و گروه او برای جلب حمایت توده‌ها بر سازمان اخوان المسلمین تکیه می‌کردند و در مقابل سازمان از طریق افسران آزاد به اسلحه و آموزش نظامی دست می‌یافت. هواداران اخوان المسلمین مردم را به نفع انقلاب وارد خیابان‌ها کردند. بعد از پیروزی انقلاب در مصر، تعارضات بین او طرف پدیدار شده، اخوان المسلمین از دولت درخواست کردند که جهت اهداف اسلامی، حرکت‌های خود را در جامعه آغاز کند، ولی ناصر معتقد بود دین باید از سیاست جدا باشد و مذهب رابطه فردی بین انسان و خداست و نباید در امور جامعه دخالت کند. چون هضیبی با اصلاحات ارضی ناصر مخالفت کرد، ناصر آنان را حامی سرمایه‌داری معرفی و اعلام کرد اختلاف او با اخوان المسلمین بر مساله اجرای اسلام نیست، بلکه موضوع سرمایه‌داری است؛ ولی حقیقت این بود که ناصر نمی‌خواست غیر از تشکیلات او گروه قدرتمند دیگری در کشور باشد. دولت در ژانویه ۱۹۵۴ طبق قانون انحلال احزاب، سازمان اخوان المسلمین را متحل کرد و عضویت در آن را غیرقانونی دانست و اتهاماتی به اخوان المسلمین وارد کرد.

اخوان المسلمین در مصر به دلیل سوء‌قصد به جمال عبدالناصر یکبار در ۱۹۵۴ و یکبار در ۱۹۶۵ مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند. اخوان المسلمین دلایل شکست ناصر از اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ را کم‌توجهی به مذهب در سیاست‌های ناصر می‌دانستند و این شکست را نشانگر کفر الهی به دلیل جو اختناق در مصر و اینکه ناصر با یک دولت بی‌دین (شوروی سابق) متحد شده بود، معرفی می‌کردند.

انور سادات در مواجهه با پی‌هایی افراد اخوان المسلمین از جمله حسن هضیبی را از زندان آزاد کرد و از آنان برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی دعوت کرد، ولی چون اخوان المسلمین نتوانست نظرات خود را در قانون اساسی قرار دهد، مبارزات خود را از طریق پارلمان مصر و وسایل ارتباط جمعی پیگیری کرد. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ روابط اخوان المسلمین با سادات مسالمت‌آمیز بود؛ ولی بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ بر اثر انعقاد پیمان صلح مصر و اسرائیل و انقلاب اسلامی ایران این روابط تیره شد.

بعد از مرگ حسن هضیبی، در سال ۱۹۷۴ شیخ عمر تلمسی رهبر اخوان‌المسلمین شد و بعد از درگذشت او حامد ابونصر جانشین وی شد. وی بعد از انتخاب شدن نامه‌ای در فوریه ۱۹۸۶ به حسنی مبارک رئیس‌جمهور فرستاد و در آن مسایل داخلی و سیاست خارجی کشور مصر را مورد بررسی قرار داد و پیشنهاداتی به رئیس‌جمهور ارائه کرد و از دولت مصر خواست همکاری خود را با اسرائیل متوقف کند و خواستار بیشتر مشارکت زنان در امور جامعه شد.

اخوان المسلمین مصر در جریان اعتراضات سال ۲۰۱۱ مصر که به سقوط حکومت حسنی مبارک انجامید شرکت داشت و در نشست خبری رهبران ارشد حزب در ۹ فوریه اعلام شد که اخوان با حکومت مذهبی مخالف است چون آن را مغایر اسلام می‌داند و خواسته آن برپایی حکومت مصر با مرجعیت اسلام است. اخوان المسلمین اعلام کرد که خواسته آنها خواسته معترضان متحنن در میدان التحریر و جمعیت میهنی برای تغییر است که اعضای اخوان نیز در تلمسین آن شرکت داشته‌اند.

دربیچه

معیار واقعی ما انتخابات است

گفت‌وگو با «محمد خیرت الشاطر» نامزد اخوان المسلمین در انتخابات ریاست‌جمهوری

ترجمه: محمدعلی عسگری



عکس: Gettyimages

ببر. باید اینها از دوران مبارک درس گرفته باشند و بدانند که استبداد عامل اصلی و مستقیم بروز انقلاب در مصر بوده است. اگر دوباره این استبداد به هر شکلی احیا شود یا تلاش

شود که انقلاب و دستاوردهایش به سرقت برده شود، مردم مصر از حقوق‌شان دست نمی‌کشند و ساکت نخواهند نشست. مساله فقط مربوط به اخوان المسلمین نیست بلکه مساله کل یک ملت است. اینپایه‌ای که به میدان التحریر ریخته‌اند، وابسته به اخوان نبوده‌اند بلکه همه گروه‌های سیاسی واز جمله اخوان المسلمین‌بودند.

■ **آیا تضمینی وجود دارد کسانی که میدان التحریر را فعلا ترک کرده‌اند، دوباره به این میدان بازگردند؟**

بله، آنها بازخواهند گشت. اگر لازم باشد ملت مصر نه یکبار که چندین‌بار بازمی‌گردد زیرا به خواسته‌های‌شان هنوز نرسیده‌اند.

■ **اخیراً آمریکایی‌ها نسبت به فعالیت اخوان المسلمین ابراز نگرانی کرده‌اند. در همان حال ما هر از چند گاه می‌شنویم که دیدارهایی به صورت علنی با مغفٰی بین مقامات آمریکایی و اخوان المسلمین صورت می‌گیرد. می‌شود اخوانی‌ها در این راه معاملاتی کرده‌اند و بر سر**

مسایلی با آنها به توافق رسیده‌اند؟
به‌رغم آنکه این تهمت‌ها مطرح می‌شود باید بگویم هیچ‌کدام از آنها درست نیست. در دوران مبارک هم به ما تهمت می‌زدند که با رژیم او به نوعی تفاهم دست یافته‌ایم. مساله خنده‌دار یا گریه‌دار این است که چنین اتهاماتی در زمانی مطرح می‌شد که بیش از ۴۰هزار تن از اعضای اخوان المسلمین به‌خصوص در ۲۰ سال آخر حکومت مبارک به زندان می‌افتادند. نکته جالب‌تر اینکه می‌گفتند من طراح این ارتباط یعنی بین رژیم و اخوان المسلمین هستم حال آنکه من بیش از ۱۲ سال در زندان مبارک بودم. به این ترتیب باید گفت مساله توافق یا معامله همیشه مطرح می‌شود و رسانه‌ها هم به آن دامن می‌زنند. شاید یکی از دلایل این کار آن باشد که می‌خواهند ضعف خودشان و به‌خصوص سایر گروه‌ها را به این وسیله بپوشانند. حال آنکه واقعیت خلاف این را نشان می‌دهد.

■ **به‌طور خلاصه بگویید رابطه شما با شورای نظامیان چگونه است؟ آیا درست است که این شورا تحت تأثیر اخوان قرار دارد؟**
خیر. شورای نظامی تحت‌تأثیر اخوان نیست و اخوان المسلمین نیز مانند سایر تشکیکل‌ها و گروه‌ها در مصر فعالیت می‌کند شورای نظامی وقتی با ما تماس می‌گیرد، این عمل از طریق نمایندگان قانونی حزب آزادی و عدالت (حزب وابسته به اخوان) صورت می‌گیرد و احزاب دیگر نیز معمولاً در این نشست‌ها حضور دارند. یعنی دیداری افرادی صورت نمی‌گیرد. گاه به‌خاطر شرایط اقتصادی با امنیتی لازم می‌شود که دیدارهایی صورت گیرد و در این دیدارها اخوان و بقیه احزاب حضور دارند. این دیدارها تاکنون بارها اتفاق افتاده که در نخستین آنها رهبر جماعت اخوان شرکت کرد و در بقیه آنها رئیس حزب آزادی و عدالت شرکت می‌کند.

■ **پس هیچ‌گونه توافقی خاصی وجود ندارد؟**
خیر.

■ **آیا شما اطمینان دارید که شورای نظامی قدرت را در آینده به یک دولت منتخب واگذار خواهد کرد؟ اگر این اتفاق نیفتاده چه**

آرزوی ما این است که چنین اتفاقی هرچه زودتر رخ دهد. شورا همین وعده را داده است و ما هم نسبت به مقاصد هیچ‌کسی تردید نمی‌کنیم. منطاً مساله باید در عمل و در دوره آینده اتفاق افتد. اگر شورا این کار را کرد، چه بهتر و اگر نکرد، می‌گوییم کار بدی کردید و ما از تمام ابزارهای مسالمت‌آمیز خود برای احقاقی این عمل استفاده خواهیم کرد.

■ **یعنی چیزی؟**
یعنی آنچه که در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۱ مشغول به فعالیت بود که در ماه سپتامبر همین سال با فرمانی از سوی انور سادات، رئیس‌جمهوری وقت مصر به همراه چند نفر دیگر از دانشگاه اخراج شد. الشاطر البته کارشناسی ارشد مهندسی خود را از دانشگاه المنصوره اخذ کرد. لیسانس هنر از دانشگاه عین الشمس مصر و دیپلم‌هایی در رشته‌های تحقیقات اسلامی، جامعه‌مدنی، مدیریت و بازاریابی بین‌المللی از جمله دیگر تحصیلات مرتبط و محسوب می‌شود. الشاطر بیشتر به فعالیت‌های اقتصادی ازجمله کارهای تجاری، مدیریت و مشارکت در امور بانکی و شرکت‌های بازرگانی مشغول است. الشاطر در سال ۱۹۶۷ به جنبش‌العمل مصر ملتی بزرگ است و می‌تواند انقلاب خود را به پیش

جهان

معیار واقعی ما انتخابات است

گفت‌وگو با «محمد خیرت الشاطر» نامزد اخوان المسلمین در انتخابات ریاست‌جمهوری

ترجمه: محمدعلی عسگری

سنت‌های گذشته، اساساً نظر شما درباره دولت مدنی و نظام حکومتی و شیوه حکومت‌داری چیست؟
ما وقتی به کشورهایی مانند مالزی و ژاپن یا ترکیه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اینها دولت مدرن را گرفته‌اند و با خصوصیت‌های فرهنگی خود در آمیخته‌اند. ما می‌گوییم که می‌خواهیم کشورمان را براساس الگوی اسلامی از نو بسازیم. البته منظور دولتی عادی است اما در این دولت هرکاری از یک مرجعیت اساسی و اسلامی برمی‌خیزد. معنای این حرف آن نیست که بخوایم چیزی را بر مردم تحمیل کنیم زیرا همان‌طور که همه می‌دانند در اسلام آمده است: «لا اکراه فی‌الدین». اخوان هدفش دعوت است و تربیت و اقناع برای مثال در عرصه سیاسی ما معتقدیم که مرجعیت اسلامی ما باید شورا ملترزم می‌کند. یعنی مقامات از این طریق انتخاب می‌شوند ولی شکل رسمی آن پارلمان خواهد بود. ما این قاعده کلی را می‌گذاریم و در سایه آن اجتهاد می‌کنیم. خلیفه ما «عمر» هم در دوران قدیم همین کار را کرد. نظام دیونسالاری را از ایرانی‌ها گرفت و بعد در آن اجتهاد کرد. حالا ممکن است بین اجتهاد شما و من اختلافی پیش آید. در این صورت چه کسی مرجع حل این اختلاف خواهد بود؟ به نظر ما مردم، ما یک دولت مدینی حرف نمی‌زنیم.

■ **یعنی شما نمی‌خواهید چیزی را بر مردم تحمیل کنید؟**
اساساً این چیزها در تفکر ما ممنوع است و وجود ندارد. ما قصد نداریم چیزی را بر دیگران تحمیل کنیم.
■ **حرف‌هایی که شما درباره جزیه و وضع قبطی‌ها می‌زنید، خیلی‌ها را نگران می‌کند.**
والله مواضع رسمی اخوان المسلمین همان چیزهایی است که از طریق بیانیه‌ها یا نامه‌های رسمی منتشر می‌شود. حال اگر بعضی چیزهایی می‌گویند که اشتباه است، اینها به ما مربوط نمی‌شود. از آن گذشته این نتیجه طبیعی دوران سرکوب گذشته‌است که مسلمانان نمی‌توانستند آزادانه حرف‌هایشان را بزنند. ما الان پس از پیروزی انقلاب با همه جریان‌های اسلامی در حال تماس هستیم و می‌خواهیم به یک نگرش روشن و فهم صحیح و عملی از اسلام دست باییم.

■ **آیا آمریکایی‌ها به عنوان قدرتی که در درجه اول مصر برایشان مهم است و آن را منطقه نفوذ خود می‌دانند و در اینجا منافی دارند، حاضر شده‌اند یا شما بنشینند و در این‌باره صحبت کنید؟**
همین الان هم دیدارهایی در جریان است و کم و کیف آنها در رسانه‌ها منعکس می‌شود. ما به همه آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها می‌گوییم می‌خواهیم با همه گفت‌وگو و همکاری کنیم. ما به دنبال نقاط مشترکی هستیم که منافع هر دو طرف را تأمین کند. ما نیازی به جنگ با آنها یا دیگران نداریم. تمام تلاش ما این است که کشورمان را بعد از آن همه خسارت‌ها و عقب‌ماندگی‌ها بسازیم.

■ **پس اگر شما الان دولتی تشکیل دهید به عنوان الگو فقط به ترکیه نگاه نخواهید کرد بلکه سعی می‌کنید از تجربیات همه کشورها استفاده کنید؟**
قطعا هر کشور خصوصیات خودش را دارد و ما از تجارب همه استفاده خواهیم کرد. ما روی یک تجربه واحد متوقف

■ **پس اگر شما الان دولتی تشکیل دهید به عنوان الگو فقط به ترکیه نگاه نخواهید کرد بلکه سعی می‌کنید از تجربیات همه کشورها استفاده کنید؟**

قطعا هر کشور خصوصیات خودش را دارد و ما از تجارب همه استفاده خواهیم کرد. ما روی یک تجربه واحد متوقف

غولی به‌نام خیرت‌الشاطر

محمد خیرت الشاطر (۶۱ ساله) چهارم ماه مه ۱۹۵۰ در شهر شربین در استان الدقهلیه دیده به جهان گشود. او دارای ۱۰ فرزند و ۱۶ فرزند و از فارغ‌التحصیلی به عنوان استادیار در دانشکده مهندسی المنصوره تا سال ۱۹۸۱ مشغول به فعالیت بود که در ماه سپتامبر همین سال با فرمانی از سوی انور سادات، رئیس‌جمهوری وقت مصر به همراه چند نفر دیگر از دانشگاه اخراج شد. الشاطر البته کارشناسی ارشد مهندسی خود را از دانشگاه المنصوره اخذ کرد. لیسانس هنر از دانشگاه عین الشمس مصر و دیپلم‌هایی در رشته‌های تحقیقات اسلامی، جامعه‌مدنی، مدیریت و بازاریابی بین‌المللی از جمله دیگر تحصیلات مرتبط و محسوب می‌شود. الشاطر بیشتر به فعالیت‌های اقتصادی ازجمله کارهای تجاری، مدیریت و مشارکت در امور بانکی و شرکت‌های بازرگانی مشغول است. الشاطر در سال ۱۹۶۷ به جنبش‌العمل از کشورهای جهان نیز سفر کرده است.

نگاه

تداوم مومبایی‌گری در سرزمین فرانعه

اردشیر زارعی قنواطی

■ مصر هم‌اکنون خود را آماده می‌کند تا با برگزاری اولین انتخابات ریاست‌جمهوری بعد از سرنگونی حسنی مبارک رئیس‌جمهوری مادام‌العمر پیشین از خود چهره جدیدی به نمایش بگذارد. تحولات سریع و شتابنده که تحت تأثیر نارضایتی عمومی از وضع موجود بوده و موجب بروز و ظهور جنبش‌های اعتراضی سیاسی – اجتماعی در منطقه عربی شد از همان ابتدا در کنار موج دموکراسی‌خواهی ذاتی خود حامل یک نیروی نهفته در سنت‌های سیاسی – اجتماعی در بستر روابط قومی و مذهبی نیز بود. به همین دلیل نماد میدان «التحریر» یا جمعیت‌های میلیونی خود و پیششازی جوانان عصر اینترنت و فیس‌بوک به عنوان موتور محرکه این خیزش توده به طور کلی با چهره کنونی جماعت‌های مدعی متفاوت به نظر می‌رسد. این تغییر چهره بیش از آنچه متأثر از مطالبات اولیه انقلابیون مصری باشد ناشی از ساخت فرهنگی – اجتماعی این کشور و مدیریت بحران منطقه عربی از سوی نیروهای فراملی و بیندازی‌های ارکان قدرت حاکم در هم‌پیمایی شورای نظامی و اسلام‌گرایان به خصوص جنبش اخوان المسلمین بوده است. به همین دلیل برخورد انتزاعی با انتخابات ریاست‌جمهوری مصر بدون در نظر گرفتن مسیر تحولات این کشور تا حدودی می‌تواند گمراه‌کننده بوده و ماحصل آن به طور اساسی متفاوت از مطالبات ضددیکتاتوری اولیه باشد. به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان این دوران گذار را یک سیر طبیعی در چارچوب جنبش دموکراسی‌خواهانه تلقی کرد چرا که نیروهای سرب‌آورده کنونی بیش از آنچه بازتاب‌دهنده این مطالبات باشند

نماینده سنت‌های واپسگرایانه در ساخت اجتماعی و برآیند قدرت‌تاری احطارطلب سیاسی است که خود را در زیر زنگار اسلام‌گرایی سنی به جامعه مصر تحمیل می‌کند. تحولات کنونی مصر بار دیگر این نکته را به اثبات رساند که تضاد عامل ذهنی با عامل عینی به خصوص در وضعیت عدم پیوند ارگانیک بین طبقات نخبه و بدنه اجتماعی در یک محیط متصلب و سنتی در نبود نهادهای تثبیت‌یافته دموکراتیک می‌تواند رویای هرگونه جنبش جمع‌ران به ضدخود تبدیل کند. در چنین وضعیتی تناقض بین دموکراسی سکولار و مدرنیته با سنت‌های اجتماعی و شریعت دینی یک شرایط پارادوکسیکال را موجب می‌شود که در فرجام نهایی به سود سنگریان تمام می‌شود. این موضوع به خصوص زمانی که نیروهای قدرتمند منطقه نیز در پشت سنگترایان قرار می‌گیرند توازن قدرت را دچودنانه به سود یکی و علیه دیگری درگرم می‌کند. نقش عربستان سعودی و قطر از یک طرف و ترکیه از طرف دیگر بار دیگر جهت‌دهی خیزش‌های عربی به سمت سلفی‌گری و بنیادگرایی اسلامی و همچنین شکل‌دهی به یک جنبش جدید «ژئوپلیتیک» در تقابل با محور منطقه‌ بشیعی نیز در این بین نقش تعیین‌کننده دارد. در چنین بستری است که باید به انتخابات ریاست‌جمهوری در مصر توجه کرد و قبل از هرگونه گمانه‌زنی نسبت به رویه سیاسی منتخب آن نیز به وقایع اتفاق‌افتاده قبلی نظر داشت. قبل از این انتخابات در مصر انتخابات پارلمانی برگزار شد و جنبش اخوان المسلمین بیش از ۴۰ درصد و حزب سلفی «الغور» نیز حدود ۳۰ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. در هفته‌های گذشته نیز شورای بازرگاری اعضای گروه‌های اسلام‌گرای اخوان و نور به ریاست «سعد الکتانتی» بوده‌اند که به جهت انحصار این طیف بر شورا دیگر اعضای سکولار به اعتراض استعفا خود را از این مجمع کرده‌اند. غول بیندار شده‌الاسلمین که هم‌اکنون با کمک عربستان، قطر و ترکیه تحولات منطقه عربی از جمله ناآرامی‌های سوریه را مدیریت می‌کند از همان ابتدای کار وعده‌ها و قول‌های اولیه خود را زیر پا گذاشته‌است. اخوان مصری اعلام کرده بود که درصدد اجرای شریعت در این کشور نخواهد بود و برای رفع ابهام انصراف دادند از معرفی کاندیدایی ریاست‌جمهوری پرهیز می‌کند. آنان در یک رست سیاسی‌زیامتی که عبدالمنعم ابوالفتوح عضو میانه‌روی خود اعلام کاندیداتوری برای انتخابات ریاست‌جمهوری مصر را کرد وی را به عنوان عضو متعذر از حزب اخراج کردند اما بعداً جنبش اخوان به طور رسمی به پهناء دفاع از دستاوردهای انقلاب در مقابل نظامیان «خیرت‌الشاطر» معاون هبری و میلیاردر خود را برای این سمت معرفی کرد. خیرت الشاطر گرایان اولین اظهارنظر خود به صراحت گفت که قصد وی اجرای احکام دین و شریعت خواهد بود. این در حالی است که حزب سلفی الثور نیز «حارم صالح ابولاسماعیل» را بعد از نشست چهار نفره شورای مرکزی روحانیون سلفی برای کاندیداتوری ریاست‌جمهوری اعلام کرده است. از طرف شورای نظامی نیز «عمر سلیمان» معاون حسنی مبارک و رئیس پیشین اطلاعات مصر اعلام کاندیداتوری کرده و به این جمع باید «عمرو موسی» رئیس قبلی اتحادیه عرب را نیز افزود که تقریباً در مقابل رقبای اسلام‌گرای خود شناسی برای پیروزی ندارند. وضعیت مصر و مسیر تحولات در منطقه عربی نشان می‌دهد که دیکتاتوری‌های سکولار جای خود را به اسلام‌گرایان

سیاسی می‌دهند بدون اینکه تحول مثبتی در ساخت کلان قدرت به نفع دموکراسی ایجاد شده باشد. این در حالی است که مصر شدیداً به کمک‌های آمریکا و متحدین غربی خود احتیاج داشته و موضوع تورسم نیز در ساختار اقتصادی این کشور منبع اصلی درآمدهای ملی است. به همین دلیل اسلام سیاسی – اجتماعی این کشور را بیش از پیش دستخوش تناقضات اساسی خواهد کرد. همچنین تجربه حمایت غرب از اسلام‌گرایی سنی در تقابل با کمونیسم بار دیگر می‌تواند پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی خود را با بازگرنان ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحمیل کند.